

تبیین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۱۷-۲۰۰۳)

حسین کریمی فرد^۱ / یونس افشاری^۲ / علی رحیمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۵

چکیده

از دیدگاه جیمز روزنا برای تحلیل و تبیین سیاست خارجی هر کشور باید به متغیرهایی در سطح داخلی (فرد، نقش، حکومت و جامعه) و در سطح بین المللی (سیستم) توجه نمود. روزنا کشورها را براساس میزان توسعه، رخنه پذیری فرهنگی، قدرت سیاسی، وضعیت اقتصادی و ماهیت ساختار اجتماعی تقسیم بندی می کند. در این پژوهش، تلاش می شود فرایند تصمیم گیری در سیاست خارجی ترکیه (بعد از کسب قدرت توسط حزب عدالت و توسعه)، طبق نظریه پیوستگی جیمز روزنا مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش هایی که به سیاست خارجی ترکیه در دهه اخیر پرداخته اند، به نقش و تاثیرگذاری نخبگان و کارگزاران سیاسی در فرایند سیاست خارجی ترکیه توجه کرده یا اینکه سیاست خارجی این کشور را با توجه به متغیرهای سیستمی نظام بین الملل تحلیل کرده اند. در هر کدام از پژوهش های انجام شده، یکسری متغیرهایی مکتوم و مغفول واقع شده اند. استفاده از مدل پیوستگی جیمز روزنا برای تبیین سیاست خارجی ترکیه، نکات ضعف پژوهش های فوق را پوشش می دهد. با توجه به تاثیر پذیری سیاست خارجی از متغیرهای متعدد؛ فرایند سیاستگذاری و تصمیم گیری در ترکیه به عنوان یک کشور جمهوری، تحت تاثیر متغیرهای متکثر است. مفروض این پژوهش عبارتست از اینکه ترکیه کشوری جمهوری، لائیک و با ساختار اجتماعی باز و صنعتی و در حال توسعه می باشد. فرضیه این پژوهش که با متدلوژی تحلیلی و توصیفی انجام شده عبارتست از: طبق مدل پیوستگی روزنا متغیرهای نقش، سیستم، اجتماع، حکومت و فرد مهمترین متغیرهای تاثیر گذار بر سیاستگذاری خارجی ترکیه می باشند.

کلید واژگان: سیاست خارجی، نظریه روزنا، فرد، نقش، جامعه، نظام بین الملل

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، hkarimifard@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، y_afshari1370@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، najaf.payam@yahoo.com

مقدمه

ترکیه کشوری با گروه های سیاسی و اجتماعی متکثر و متعدد و نظام سیاسی سکولار می باشد. نوع نظام سیاسی این کشور جمهوری «پارلمانی» بوده که در سال ۲۰۰۷ با رفراندومی که در این کشور برگزار شد به نظام سیاسی «ریاستی» تغییر کرد. سیاست خارجی این کشور در دوران جنگ سرد غرب محور و امریکا گرا بود. هدف اصلی سیاست خارجی این کشور در نیم قرن گذشته پیوستن به اتحادیه اروپا بوده که سیاستمداران این کشور نتوانسته اند این هدف را تاکنون محقق نمایند.

سیاست خارجی این کشور با توجه به سطوح خرد و کلان و تاکید بر متغیرهای متعدد قابل بررسی می باشد. عده ای از پژوهشگران در تبیین سیاست خارجی ترکیه، نقش نخبگان و کارگزاران سیاسی این کشور مثل «احمد داود اوغلو» و «رجب طیب اردوغان» را برجسته می کنند. از دیدگاه این پژوهشگران «اوغلو» در کتاب «عمق استراتژیک» بر تنوع در سیاست خارجی، پرهیز از یکسونگری و کاهش مشکلات با کشورهای همسایه تاکید دارد. اردوغان نیز با جاه طلبی و روش های پوپولیستی درصدد احیا نوعثمانی گری در ترکیه می باشد. عده دیگر از پژوهشگران بر متغیر سیستم بین الملل جهت تبیین سیاست خارجی ترکیه بویژه بر تاثیرگذاری قدرت های بزرگ به خصوص امریکا، اتحادیه اروپا و روسیه تاکید دارند.

حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۳ تا کنون قدرت را به دست گرفته است. در این دوره متغیرهای متعدد در سطوح داخلی و بین المللی بر سیاست خارجی این کشور



دخیل بوده اند. در این پژوهش تلاش می شود متغیرهای موثر بر فرایند سیاست خارجی ترکیه طبق «مدل پیوستگی جیمز روزنا» از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گیرد. طبق این مدل نظری، متغیرهایی مثل نقش، جامعه و حکومت در سطح داخلی و متغیر سیستم یا محیط بین الملل در سطح نظام بین الملل در سیاستگذاری و رفتار خارجی ترکیه موثر بوده اند.

سوال این پژوهش عبارتست از: طبق مدل پیوستگی جیمز روزنا کدامیک از متغیرهای فرد، نقش، جامعه، حکومت و محیط بین الملل بر فرایند سیاست خارجی ترکیه موثر بوده اند؟ فرضیه عبارتست از: متغیر فرد، نقش و سیستم از مهمترین متغیرها موثر بر سیاست خارجی کشور ترکیه می باشند.

یاست پژوهی

نبین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۰۳-۲۰۱۷)

۱. چارچوب نظری: نظریه پیوستگی جیمز روزنا

جیمز روزنا سیاست خارجی را با سه بخش کلی یا مفاهیم سه گانه "سیاست خارجی به مثابه مجموعه جهت گیری ها"، "سیاست خارجی به عنوان تعهدات و برنامه ها برای اقدام" و "سیاست خارجی به عنوان شکل رفتاری" مورد بررسی قرار می دهد. سیاست خارجی به مثابه تعهدات و برنامه ها جهت اقدام ؛ استراتژی های آشکار، تصمیم گیری های واقعی و سیاست های عینی دولت را هنگامی که به محیط خارجی اتصال می یابد، تنظیم می نماید. سیاست خارجی به مثابه رفتار به فاز تجربی که شامل مرحله تحکیم جهت گیری های کلی سیاست خارجی است، ارجاع داده می شود. (Rosenau, 1976:16-17)

جوهره سیاست خارجی کنترل محیط خارجی است، چه به صورت حفظ امور مطلوب یا تغییر امور نامطلوب در این محیط و یا به صورت حفظ انطباق ضروری کشور در حدودی مقبول. (فرانکل، ۱۳۷۶: ۹۹) در تحلیل سیاست خارجی سیستم جامع و عمومی آزمون پذیری وجود ندارد و از تئوری های عمومی و قابل تعمیم تبعیت نمی



شود. (Smith, 2008:14)

به طور کلی تلاش های مربوط به تحلیل و تبیین سیاست خارجی را می توان از لحاظ متدولوژیک تحت سه هیافت زیر طبقه بندی نمود

أ. رهیافت کلان جهت تبیین سیاست خارجی

طرفداران این رهیافت با تکیه بر "سطح نظام بین الملل" بر این مدعا پا می فشارند که شاخصه رفتار کشورها تابع خروجی حاصل از شکل گیری در سطح کلان نظام است که به طور جبری به عنوان ورودی بر دستگاه تصمیم گیری واحدهای عضو در نظام بین الملل حاکم شده و بر رفتار خارجی آنها تاثیر می گذارد. بنابراین کشورها در تصور این نظریه پردازان به عنوان واحدهای عضو، همچون توپ های بیلباردی محسوب می شوند که ماهیت دورنی آنها یکسان محسوب شده و بر چگونگی چرخش آنها بر میز بیلبارد بین المللی تاثیر تغییر سازی ندارد. با این دیدگاه نتیجتاً حداکثر برد طیف میدانی اقدام سیاست خارجی کشورها، به "داخلی سازی" قواعد نظام بین المللی و قدرت انطباق آنان با فرهنگ غالب نظام، محدود می شود. (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۲۹۶)

رنالیسم ساختارگرا با تکیه بر سطح تحلیل نظام بین الملل و تاثیر آن بر سیاست خارجی کشورها، رهیافت کلان به شمار می رود. «ساختار در رفتار دولت ها محدودیت ایجاد می کند ساختارها با اعمال تشویق و تنبیه دولت ها را وادار به انجام رفتار مناسب و مشابه می کنند. همچنین ساختار با اعمال فشارهایی باعث جامعه پذیری دولت ها می شود.» (Waltz, 1979: 76) ماهیت نظام بین الملل الگوهای رفتاری خاصی را در چارچوب سیاست خارجی ترغیب می کند. موقعیت یک دولت در نظام بین الملل به سیاست خارجی آن ارتباط می یابد.» (قوم، ۱۳۸۴: ۲۸۶) به عبارتی ساختارها فارغ از ماهیت و سرشت داخلی واحدها، باعث ایجاد رفتار مشابه از سوی کشورها می شوند.

سیاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



ب. رهیافت خرد جهت تبیین سیاست خارجی

ساختارها در بعضی از مواقع نمی توانند تفاوت رفتار واحد ها را در عرصه سیاست خارجی تحلیل نمایند. در اینجا است که باید مطالعه کرد که چگونه ماهیت داخلی واحدهای سیاسی بر رفتار و اقدامات خارجی آنها تاثیر می گذارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۴) نویسندگان در این رهیافت معتقدند که تفاوت رفتار خارجی دولت ها منبعت از تاریخ، فرهنگ ملی، ایدئولوژی، شخصیت تصمیم گیرندگان، تعصبات، باورها و مقتضیات داخلی کشور می باشد.

نظریه پردازان رهیافت خرد معتقدند که رفتار سیاست خارجی کشورها عمدتاً تابعی از عوامل و عناصر داخلی است. پیروان رهیافت متدولوژیک خرد به دو گروه عینی گرا و ذهنی گرا تقسیم می شوند:

۱. عینی گرا

این دسته از متفکرین رهیافت خرد، «عملکرد و رفتار سیاست خارجی کشور را تابع مقتضیات داخلی و محیط استقرار هر واحد خاص جغرافیایی به حساب می آورند. آنها به مطالعه تاثیر نیروهای بنیادی حاکم بر سیستم سیاست خارجی کشور می پردازد. (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۳۰۰) هارولد و اسپروت بر تاثیر محیطی که درون آن سیاستگذاری خارجی صورت می گیرد تاکید دارند. آنها بر تمایز محیط عملیاتی (واقعیت عینی) و محیط روانشناختی (تعصبات ادراکی و محرک های شناختی) متمرکز می شوند (Adlen, 2011: 25).

۲. ذهنی گرا

در دیدگاه این نظریه پردازان، تصمیم سیاسی هر جامعه محل برخورد دروندادها موثر بر تصمیم گیری و بروندادهای ناشی از دستگاه تصمیم گیری است که به شکل سیاست های آمرانه و رسمی هر جامعه وارد محیط می شود. دو نماینده برجسته این رهیافت فکری ریچارد اسنایدر و ژوزف فرانکل می باشد. (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۳۰۱) از دیدگاه

یاست پژوهی

تبیین سیاست خارجی ترکیب با تاکید بر نظریه پیمن روزنا (۲۰۰۳-۲۰۱۷)



«برای تصمیم سازی نیاز به شناخت کلیت واحدی به نام دولت می باشد. به عبارتی جعبه سیاه سیاستگذاری خارجی باید باز شود تا میزان تاثیرگذاری تعصبات فردی و فرایندهای بورکراتیک در تصمیمات مشخص شود. از این طریق تحلیل دقیق تر سیاست خارجی و شناخت پیچیدگی های سیاستگذاری مشخص می شود.» (Adlen, 2011: 25)

ج. رهیافت پیوستگی جهت تبیین سیاست خارجی

طرفداران این رهیافت درصدد تلفیق هر دو سطح تحلیل خرد و کلان جهت تحلیل سیاست خارجی می باشند. مهمترین دانشمندانی که رهیافت پیوستگی را جهت تحلیل سیاست خارجی بکار برده اند ولفرام هانریدر و جیمز روزنا می باشند.

از دیدگاه جیمز روزنا مجموعه ای از فرایندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناسی بر رفتار سیاست خارجی دولتها تاثیر می گذارد. این تاثیرات در جهت ایجاد محدودیت و یا افزایش توانمندی رفتار کنشگران می باشد. اما چگونگی، چرایی و شرایط این تاثیرگذاری مشخص نیست. (Rosenau, 1971, 96-9)

جیمز روزنا در مدل نظری خود با ارائه یک نظریه آزمون پذیر، متغیرهای متعددی را در سطوح داخلی و خارجی تاثیرگذار بر رفتار سیاست خارجی دولت ها می دانست. به نظر او از برایندهای متغیرهای سطح داخلی شامل فرد، نقش، حکومت و جامعه و سطح خارجی یعنی متغیر سیستمی رفتار خارجی یک دولت شکل می گیرد. میزان تاثیر هر کدام از متغیرهای پنج گانه فوق بستگی به قدرت سیاسی (بزرگ یا کوچک)، وضعیت اقتصادی (توسعه یافته یا عقب مانده)، ماهیت ساختار اجتماعی (باز یا بسته)، ساختار فرهنگی (رخنه پذیری یا رخنه ناپذیری) و حوزه های موضوعی مختلف بستگی دارد. (Rosenau, 1972:146) از دیدگاه روزنا رفتار کشورها تحت تاثیر متغیرهای ذیل

می باشند:



۱. متغیر فرد

متغیر فرد شامل ویژگی های منحصر به فرد تصمیم گیرندگان حوزه سیاست خارجی یک کشور می باشند. به عبارتی دیگر کسانی که تصمیم گیرنده هستند و سیاست ها را به اجرا در می آورند. این متغیر همه جنبه های تصمیم گیرنده یعنی ارزش ها، استعدادها، تجربه های پیشین فرد را شامل می شود که گزینه سیاست خارجی و یا رفتار او را از دیگر تصمیم گیرندگان متمایز می کند. متغیرهای فردی شامل ویژگی های فردی، برداشت ها و تصورات، انگیزه ها، ارجحیت ها، سبک رهبری و شیوه تصمیم گیری، جهان بینی و نظام باورهای تصمیم گیرنده می شود. ویژگی های چون احتیاط در برابر عجله و بی پروایی، دور اندیشی در مقابل عصبانیت، مصلحت اندیشی در برابر جزم گرایی، تواضع در برابر تکبر و تفاخر، احساس برتری در برابر احساس حقارت، خلاقیت در برابر تخریب گری، اعتماد به نفس بیش از حد در برابر روان پریشی، شجاعت در برابر ترس، قاطعیت در برابر تزلزل، تساهل در برابر تقید و غیره. این خصوصیت های فردی سیاستگذاران تاثیر انکار ناپذیری بر سیاست خارجی دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۱)

۲. متغیر نقش

این متغیر بدین معناست که مسئولان دولتی بدون توجه به ویژگی فردی و انحصاری که در متغیر فرد به آن اشاره شد، با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند، نسبت به موضوعی از خود واکنش نشان می دهند. جایگاه فرد در ساختار حکومتی، وظائف، مسئولیت ها و وفاداریها یی که بر اساس این جایگاه از او انتظار می رود، بر تصورات فرد از جهان و تصمیم گیری های او در عرصه سیاست خارجی تاثیر

می گذارد. (Rosenau, 1971: 108)

یاست پژوهی

بنیاد سیاست خارجی
ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۱۹۷۰-۲۰۰۴)



۳. متغیر حکومتی

این متغیر به آن جنبه هایی از ساختار حکومتی اشاره دارد که گزینه های سیاست خارجی را محدود می سازد یا افزایش می دهد. تاثیر رابطه قوه مجریه و پارلمان در سیاست خارجی نمونه ای از عملیاتی شدن متغیر حکومت است. (Rosenau, 1971: 109)

(بین چگونگی تنظیم، تشکیل و سازماندهی حکومت و تصمیم گیری سیاست خارجی و به تبع آن ماهیت و رفتار سیاست خارجی ارتباط مستقیم وجود دارد. به عنوان مثال ماهیت نظام های مردم سالار به صورت های مختلف بر سیاست خارجی اثر می گذارد؛ چرا که در این نظام ها به این علت که قدرت تصمیم گیری و اختیارات سیاستگذاری بین نهادها و کارگزاری های مردم سالار متعدد و متنوعی تقسیم شده است، بازیگران بیشتری در فرایند سیاست خارجی حضور و مشارکت دارند. در حالی که در نظام های غیر دموکراتیک و اقتدارگرا، تصمیمات و سیاست ها توسط یک یا چند نفر اتخاذ می گردد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۸۱)

۴. متغیر جامعه

این متغیر به آن دسته از جنبه های غیر حکومتی جامعه تاکید می کند که بر رفتار خارجی تاثیر می گذارد. جهت گیری های ارزشی عمده یک جامعه، میزان وحدت ملی، صنعتی شدن، گروه ها، انجمن ها و سازمان های غیر دولتی، متغیرهایی هستند که در تعیین محتوای آرمان ها و سیاست های خارجی یک کشور مشارکت دارند. (Rosenau, 1971:109)

۵. متغیر سیستمی

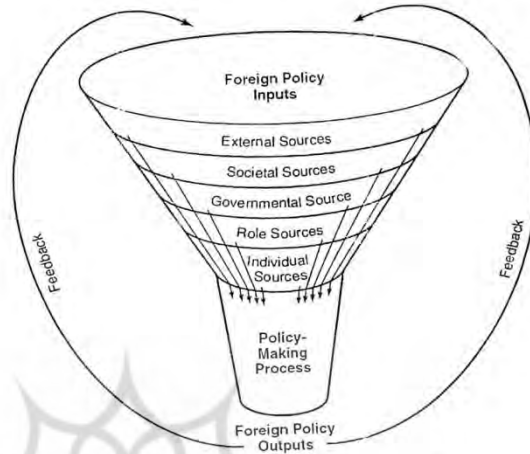
متغیر های محیطی شامل جنبه های انسانی و غیر انسانی محیط خارجی یک جامعه یا هر کنشی است که در خارج روی می دهد و گزینه های سیاست خارجی تصمیم گیرندگان را مشروط می کند و تحت تاثیر قرار می دهد. (Rosenau, 1971:109)

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



جدول شماره ۱



A framework for analysis first
proposed by James Rosenau
(1966, 1980)

(Rosenau, 1966)

جدول شماره ۲

۱. بزرگ، توسعه یافته، باز، مثال ایالات متحده آمریکا، سطوح کلیدی تحلیل: نقش، اجتماع، حکومت، سیستم، فرد
۲. بزرگ، توسعه یافته، بسته؛ مثال: شوروی؛ سطوح کلیدی تحلیل: نقش، فرد، حکومت، سیستم، اجتماع.
۳. بزرگ، توسعه نیافته، باز؛ مثال: هند؛ سطوح کلیدی تحلیل: فرد، نقش، اجتماع، سیستم، حکومت.
۴. بزرگ، توسعه نیافته، بسته؛ مثال: چین، سطوح کلیدی تحلیل: فرد، نقش،

سیاست پژوهی

تبیین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۰۴-۲۰۱۷)



حکومت، سیستم، اجتماع.

۵. کوچک، توسعه یافته، بسته؛ مثال: چکسلواکی؛ سطوح کلیدی تحلیل: نقش،

سیستم، فرد، حکومت، اجتماع.

۶. کوچک، توسعه یافته، باز؛ مثال: هلند؛ نقش، سیستم، اجتماع، حکومت، فرد

۷. کوچک، توسعه نیافته، باز؛ مثال: کنیا؛ سطوح کلیدی تحلیل: فرد، سیستم، نقش،

اجتماع، حکومت

۸. کوچک، توسعه نیافته، بسته؛ مثال: غنا؛ سطوح کلیدی تحلیل: فرد، سیستم، نقش،

حکومت، اجتماع (Rosenau 1966: 133).

۳. کاربست نظریه پیوستگی در قبال سیاست خارجی اردوغان

أ. متغیر فرد

نقش نخبگان در زندگی سیاسی یک کشور حیاتی است. حداقل تجربه ترکیه و اردوغان نشان می دهد که نخبگان سیاسی آشنا با ارزش های جهانی میتوانند مسیر کشوری را تغییر دهند.

« بسیاری از سیاستمداران و اندیشمندان در ترکیه عقیده دارند ترکیه کشوری اروپایی و آسیایی است که دارای عناصر از هر دو فرهنگ آسیایی و اروپایی است بگونه ای که این عناصر با هم همزیستی مسالمت آمیز دارند. همچنین آنها بر این نظرند که وجوه عناصر فرهنگ اروپایی و آسیایی در این کشور بیانگر غنا و تنوعی است که در اغلب کشورهای دیگر آسیا و اروپا یافت نمی شود پس این موضوع نقطه قوتی برای ترکیه است که باید آن را غنیمت شمرد.» (سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۸۸: ۱۱)

اردوغان به عنوان رهبری سیاسی حزب عدالت و توسعه با استفاده از شیوه های

پوپولیستی و اقتدارگرایی درصدد احیاء نوعثمانی گری در ترکیه می باشد.

«نوعثمانی گری رویکردی نوین در سیاست خارجی ترکیه محسوب شده و



در صدد معنا و هویتی جدید به ترکیه در داخل و خارج ببخشد. درون این رویکرد جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی دیده می‌شود این رویکرد با برجسته کردن عنصر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی به محیط ژئوپلیتیک ترکیه معنایی جدید می‌بخشد. در این تفسیر در ظرف معرفتی «انسان ترکیه‌ای» سه عنصر هویتی، یعنی مسلمان‌خاورمیانه‌ای، ترک‌اوراسیایی و شهروند اروپایی بودن با یکدیگر پیوند منطقی و معناداری برقرار می‌کنند. به عبارتی در ترکیه تحولات قابل‌تأملی در مناسبات هویتی، سیاسی و امنیتی در حال شکل‌گیری است که در کل باعث شکل‌گیری هویت تازه‌ای شده، به منافع ملی این کشور جهت‌گیری خاصی داده، و رویکرد ترکیه به همسایگان و دیگر کشورهای خاورمیانه را با تحولات جدی روبه‌رو کرده است.» (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۶۰)

یاست‌پژوهی

مولفه‌های نو عثمانی‌گری عبارتند از:

اول، ارائه رهیافتی معتدل از سکولاریسم در داخل و یک سیاست خارجی فعال در امور خارجی. در این راستا، بیشتر از قدرت نرم و هوشمند استفاده می‌شود و اسلام باید نقش بیشتری در ساخت هویت مشترک میان کردها و ترک‌ها ایفاء نماید.

دوم، نو عثمانی‌گری، عظمت و خود اعتمادی در سیاست خارجی. نو عثمانیسم ترکیه را به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای ملاحظه می‌کند. نگاه استراتژیک و انعکاس فرهنگی جغرافیایی که در برگزیده امپراطوری بیزانس و عثمانی است.

سوم، همسویی با غرب در کنار همسویی با جهان اسلام. (حیدری- رهنورد، ۱۳۹۰)

در نوشته‌های اردوغان اغلب از موازین کپنهاگ بعنوان نقطه عطف یاد می‌شود، برخلاف نظریات قبلی‌اش برای او دوران بعد از جنگ سرد، شاهد اروپای کثرت‌گرا،

چند فرهنگی و آزاد بوده که شامل مردمی از پیشینه‌های متفاوت است. حزب حاکم عدالت و توسعه در بیانیه‌های انتخاباتی خود در انتخابات سال ۲۰۰۷ در زمینه اولویت‌های سیاست خارجی خود، فرایند پیوستن به اتحادیه اروپا را در چارچوب نگاه



استراتژیک به چشم‌انداز منطقه‌ای و جهانی صلح گنجانده و الحاق به این اتحادیه را به منزله پدافندی در برابر تهدیدات و مشکلات جهانی در نظر گرفته بود. رجب طیب اردوغان در سخنرانی که در پنجمین کنفرانس بین‌المللی بزرگداشت آتاتورک انجام داد، گفت: «که یک حکومت جمهوری بر سه پایه استوار است، دموکراسی، حاکمیت قانون و لائسیسم». اردوغان اتحادیه اروپا را به عنوان ادامه پروژه آتاتورک معرفی می‌کند و می‌گوید:

«اروپا یعنی دموکراسی و ترکیه هیچ‌گاه از دموکراسی رویگردان نخواهد شد. تاریخ فرصت‌هایی را در اختیار حکومت‌ها قرار می‌دهد و ترکیه این فرصت‌ها را به غنیمت می‌شمارد.» (صبری، ۱۳۸۸)

با توجه به نقش کلیدی و تاثیرگذاری که احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در شکل دهی و اجرای سیاست خارجی ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه داشته است، برای درک و شناخت سیاست خارجی ترکیه و اهداف آن باید به اندیشه‌های وی نیز رجوع کرد. داوود اوغلو مهم‌ترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق استراتژیک» و «به صفر رساندن مشکلات» با همسایه عرضه کرده است. (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۶) تز اصلی دکترین عمق استراتژیک او این است که ارزش ترکیه در سیاست جهانی به سبب موقعیت ژئواستراتژیک و سرمایه تاریخی می‌باشد. احمد داوود اوغلو با باز تعریف نقش ترکیه در منطقه و سیاست بین‌الملل، مفهوم عمق استراتژیک را مطرح و طرح شناختی اذهان سیاستگذار را فراتر از مرزهای ترکیه گسترش بخشید. در طرز فکر جدید تهدید تلقی کردن داخلی و منطقه‌ای حذف گردید و بر به صفر رساندن مشکلات و گسترش روابط با همسایگان تاکید می‌شود. (YELKEN AKTAŞ, 2010:42)

از دید داوود اوغلو، ترکیه به همه مناطق خاورمیانه، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی و خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه تعلق دارد و در همه این مناطق می‌تواند نقش رهبری را به عهده گرفته و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. وی



این ادعا را رد می‌کند که ترکیه پلی بین اسلام و غرب است چرا که به اعتقاد او، این امر باعث می‌شود ترکیه حالت منفعل به خود گرفته و بازیچه دست دیگر بازیگران شود. از دید او، ترکیه برای رسیدن به موفقیت در این راه، با دو مسأله روبروست: (۱) مسائل و مشکلات داخلی: تا این کشور نتواند به شکل مسالمت آمیز مسأله کردها و همچنین شکاف و اختلاف بین اسلام‌گرایان و سکولارها را حل و فصل کند نمی‌تواند در سیاست خارجی خویش موفقیت چندانی کسب کند. (۲) روابط با همسایگان: ترکیه برای اینکه بتواند به بازیگری مهم در منطقه و نظام بین‌الملل تبدیل شود، ابتدا باید با همسایگان خود رابطه مسالمت آمیزی داشته و اختلافات خود را با آنها حل و فصل کند. اینجاست که بعد مهمی از استراتژی داود اوغلو رخ می‌نمایاند که معروف است به استراتژی عدم مشکل با همسایگان بر اساس این سیاست، ترکیه تاکنون منابع و هزینه‌های زیادی را به درگیری‌های بیهوده صرف کرده است. این کشور برای اینکه بتواند به رهبر منطقه ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین‌المللی پیدا کند، باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کرده و مشکلات و اختلافات فیما بین را از بین ببرد. (دهقانی، ۱۳۹۰)

ب. نقش؛ متغیری محوری

متغیرهای مربوط به نقش به دو صورت بر سیاست خارجی تاثیر می‌گذارند. نخست از طریق ایجاد محدودیت‌های رفتاری برای تصمیم‌گیرندگان و کاهش گزینه‌های آنان. دوم، شکل دهی به گرایش‌ها و رفتارهای گروهی و سازمانی خاص و مستمر از راه ایجاد رویه‌های ثابت و مستمر. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۶)

در کشورهای دموکراتیک



«رهبران دولت‌ها در اتخاذ سیاست‌ها، انتخاب گزینه‌ها و شیوه‌های

اجرائی از آزادی عمل بی‌حد و حصر برخوردار نیستند و بسیاری از
ویژگی‌های فردی، سبک رهبری و شخصیت رهبران به واسطه ضرورت

های شغلی و مسئولیتی آن‌ها محدود و تعدیل می‌شود. بر این اساس، جیمز روزنا در رده بندی متغیرها، متغیر «نقش» را مهم ترین عامل در روند سیاست خارجی جوامع توسعه یافته و باز بر می‌شمرد.» (عطایی و کوزه گر ۱۳۹۱: ۱۲۰)

تغییر نظام سیاسی از پارلمانی به ریاستی و افزایش قدرت و اختیارات ریاست جمهوری (طبق مدل ریاستی در کشورهای امریکا و فرانسه)، نوعی تمرکز قدرت در کشور ترکیه ایجاد کرده است این امر از دیدگاه محققین و پژوهشگران به «استبداد و اقتدارگرایی» اردوغان تفسیر شده است. منتقدین اردوغان اذعان می‌کنند که ایجاد نظام ریاستی و تمرکز قدرت باعث ایجاد استبداد در سیستم سیاسی و مانع مهمی در گردش قدرت نخبگان در این کشور می‌شود. از دیدگاه رهبران حزب جمهوری خلق، با تغییر قانون اساسی در ترکیه احتمال باقی ماندن اردوغان در قدرت تا سال ۲۰۲۹ مهیا می‌شود این امر باعث تقویت اقتدارگرایی و استبدادی شدن سیستم سیاسی ترکیه خواهد شد.

حضور گسترده اردوغان در قدرت از سال ۲۰۰۳ تاکنون در نقش‌های متفاوت مثل نخست وزیری و ریاست جمهوری، احتمال باقی ماندن در تا سال ۲۰۲۹، تفسیرهای موسع و گسترده از مسئولیت‌ها و اختیارات و کنار زدن رقبای حزبی خود مثل عبدالله گل و احمد اوغلو باعث می‌شود تا نهادهایی مثل پارلمان و وزارت خارجه به شدت تحت تاثیر سبک رهبری و شخصیت پوپولیستی اردوغان قرار گیرند. این امر در سیستم ریاستی باعث تضعیف نهاد پارلمان و وزارت خارجه می‌شود. نبود نقش کنترل کننده و تعدیل کننده این نهاد اجرایی از مهمترین دلایل اتخاذ رویکردهای متعدد ناپایدار تعاملی و تقابلی با ایران، عربستان، روسیه، اتحادیه اروپا و امریکا خواهد بود.

ج. نوع حکومت

«نهادهای مختلفی مثل وزارت خارجه، پارلمان، شورای امنیت ملی و ریاست جمهوری در فرایند تصمیم گیری سیاست خارجی ترکیه موثر می‌



باشند. متغیر حکومت به دلیل تکثر قدرت در ترکیه، نقش تعیین کننده ای در فرایند سیاست خارجی کشور دارد این متغیر به همراه متغیر نقش باعث شده که سیستم شخصی نشود. در موارد مختلف نقش این نهادها و تاثیر آنها متفاوت است.» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۶۶)

نوع حکومت ترکیه جمهوری دموکراسی پارلمانی است که در ماه اکتبر ۱۹۲۳ توسط مصطفی کمال پاشا (آتاتورک پدر ملت ترکیه) رسماً اعلام گردید {حکومت ترکیه طی رفراندومی که در سال ۲۰۱۷ انجام شد به ریاستی تغییر یافت}. قانون اساسی سابق که در سال ۱۹۱۶ تدوین شده بود ملغی و در سال ۱۹۲۴ قانون اساسی جدید وضع گردید. (سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۸۸: ۱۱). در سال ۲۰۱۷ قانون اساسی این کشور تغییر پیدا کرد و اختیارات ریاست جمهور افزایش یافت.

یاست پژوهی

بین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه پیمز روزنا (۲۰۰۴-۲۰۱۷)

ماهیت نظام سیاسی ترکیه، امروزه این کشور را به عنوان تجربه اسلام و دموکراسی مطرح کرده است. به همین منظور مجبور نیست بین اروپا و امریکا و یا بین اسلام و دموکراسی یکی را انتخاب کند. ترکیه می خواهد نشان دهد که یک جامعه اسلامی می تواند دموکراسی و پیشرفت و رشد داشته و در عین حال ارزش های اسلامی خود را حفظ کند و به صورت یک کشور مدرن و منسجم در آید. همچنین ماهیت و ساختار نظام سیاسی ترکیه موجب شده تا گروه های اسلام گرای ترکیه دارای گرایش ها و خصوصیات اسلامی ناسیونالیستی، لیبرال و مدرن باشند. (موثقی، ۱۳۸۷: ۲۸)

در رفراندومی که در سال ۲۰۱۷ انجام شد مردم ترکیه با تبدیل نظام پارلمانی به ریاستی طبق درخواست اردوغان، رای مثبت دادند. در این رفراندوم در مورد تغییر ۱۸ اصل از قانون اساسی این کشور تصمیم گیری کردند. این اصلاحات از اهداف مهم حزب عدالت و توسعه بویژه موسس آن یعنی رجب طیب اردوغان بود. این اصلاحات شامل برقراری نظام ریاستی به جای نظام پارلمانی فعلی، الغای مقام نخست وزیری، افزایش کرسی های پارلمانی از ۵۵۰ به ۶۰۰ و اصلاحاتی در هیات عالی قضات و



دادستان بود. همچنین رئیس جمهور منتخب، رئیس هیات وزیران و مسئول سیاست داخلی و خارجی کشور و فرمانده کل قوا خواهد بود و همه تصمیم گیری های مربوط به جنگ و صلح به او واگذار خواهد شد. در اصلاحات جدید مقام نخست وزیری حذف و رئیس جمهور وزرا را انتخاب می کند. منتقدین این همه پرسی اردوغان را به اقتدار طلبی و جاه طلبی و کاهش جایگاه پارلمان متهم می کنند. در قانون اساسی جدید به رئیس جمهور اجازه داده شده تا عالی ترین هیات قضایی کشور را اصلاح نماید. (همشهری، ۱۳۹۵)

پارلمان ترکیه به طرحی رای داده است که به مرکزیت این نهاد در نظام سیاسی این کشور پایان داد و مرکز ثقل قدرت را به کاخ ریاست جمهوری و به رئیس جمهور منتقل کرد. پارلمان ترکیه بعد از این همه پرسی مهم ترین و قدرتمند ترین نهاد سیاسی در ترکیه نیست و کاملاً در سایه شخص و نهاد ریاست جمهوری قرار گرفت. ترکیه قرار است با این تغییرات از یک "دموکراسی متکثر پارلمانی" به یک "دموکراسی متمرکز ریاستی" تبدیل شود. (شفیعی، ۱۳۹۵)

نهاد دیگر موثر در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه «ارتش» می باشد. از ۱۹۵۰ تاکنون، سایه سنگین نظامیان بر نهادهای نخست وزیری و ریاست جمهوری سنگینی می کند. اگر چه برخی از نخست وزیران و رئیس جمهورها تا حدی از قدرت نظامیان می کاستند، آنان از چنان قدرتی برخوردار بودند که علیه احزاب و دولت‌ها کودتا می کردند. نتیجه آنکه حمایت این نهاد مهم سیاسی از الحاق ترکیه باعث می شود از یک سو حیطة دخالت ارتش و نظامیان باز تعریف شود و از سوی دیگر، نهادهایی همچون نخست وزیری و ریاست جمهوری از استقلال عمل بیشتری برخوردار شوند. (صبری، ۱۳۸۸: ۸۳)

از سال ۲۰۰۳ تاکنون اردوغان در موقعیت های مختلف درصدد کنترل و مهار ارتش برآمده است. در ابتدا اردوغان در پیگیری قضایی باعث شد که تعدادی از افسران ارتش



را به اتهام توطئه علیه دولت اردوغان دستگیر شدند. سپس در سال ۲۰۱۱ تعدادی از فرماندهان ارتش خصوصاً رئیس ستاد فرماندهی ارتش، به همراه فرماندهان نیروهای زمینی، دریایی و هوایی ارتش استعفاء دادند. اما اردوغان اعلام نمود آنها بازنشسته شده اند. اردوغان بعد از کودتای ۲۰۱۶ به روش اقتدارگرایانه ای مخالفین خود را در نهادهای مختلف خصوصاً در ارتش دستگیر نمود. او بعد از این کودتا پاکسازی کامل ارتش را در دستور کار خود قرار داد.

د. جامعه مدنی: رابطه دوسویه با ساخت سیاسی

در جوامع متکثر گروه ها، انجمن ها، سازمان های غیر دولتی و به ویژه مراکز تحقیقاتی و فکری وارد نظام تصمیم گیری کشور می شود که نتیجه آن اتخاذ راهبردهای مختلف در حوزه سیاست خارجی است. (عطایی، ۱۳۸۷) جمهوری ترکیه به عنوان یک کشور کوچک در ساختار نظام بین الملل، با ساختار سیاسی باز و دموکراتیک و اقتصاد در حال توسعه در روند سیاستگذاری، متأثر از گروه ها، انجمن ها، احزاب متعدد و جریانات ارزشی و فکری مختلف بوده است. به عبارتی رابطه بین ساخت سیاسی و جامعه رابطه ای دو سویه بوده است. در چنین سیستمی دولت نمی تواند به صورت ناگهانی تغییرات بنیادین در حوزه سیاست خارجی خود ایجاد نماید و سیاست های راهبردی خود را تغییر دهد. به همین دلیل اتحاد راهبردی ترکیه با غرب و عضویت این کشور در ناتو به سادگی قابل تغییر نیست.

زندگی سیاسی ترکیه تحت تاثیر سه نیروی قدرتمند قرار گرفته است. نخست ملی گرایی نیرومندی که با ظهور ترکهای جوان، قدرتی فزاینده یافت و شخص اتاتورک بزرگترین نماینده آن بود. ناسیونالیسم ترکی که گاهی در شکل پان ترکسیم تجلی می کند مهمترین عامل شکل گیری دولت و کشور جدید ترکیه و ادامه یافتن آن در قرن بیستم میلادی بشمار می آید. نیروی قدرتمند دیگری که در زندگی سیاسی مردم ترکیه نقش فوق العاده موثر و قدرتمندی ایفاء می کند، صورت خاصی از غرب گرایی است

یاست پژوهی

بین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه چیمز روزنا (۲۰۰۴-۲۰۱۱)



که بخش عمده ای از طبقات متوسط و بالا بویژه نظامیان، روشنفکران و صاحبان صنایع و بازرگانان در طیف حامیان آن قرار دارند. این نگرش در قانون اساسی ترکیه به عنوان ایدئولوژی رسمی دولت لحاظ شده است. (سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۸۸: ۱۲) نیروی سوم اسلام سیاسی در ترکیه است. بی تردید درک و شناخت اسلام میانه رو در ترکیه بدون درک ریشه های تاریخی آن در امپراتوری عثمانی امری عبث است. برخی از مبانی شکل گیری و غلبه ی قرائت میانه رو از اسلام در ترکیه از زمان امپراتوری عثمانی شکل گرفت، ریشه دواند و نهادینه شد. در ترکیه ی امروز شاهد غلبه ی مذهب حنفی به عنوان مذهب مسلط هستیم. (ذبیح زاده، ۶۸: ۱۳۸۰).

ماهیت متکثر جامعه ترکیه باعث تاثیرگذاری نهادهای مدنی بر سیاست داخلی و خارجی شده است. احزاب در ترکیه به عنوان یکی از قدرتمندترین نیروهای سیاسی در ترکیه شناخته می شوند. احزاب مهم در ترکیه عبارتند از:

۱. حزب جمهوری خواه خلق:

این حزب دولت را بخاطر اشتباهاتش در عدم مقاومت پیرامون مسئله قبرس و فراهم کردن زمینه جایگزینی عضویت مشروط به جای عضویت کامل در اتحادیه اروپا، به باد انتقاد می گیرد. سیاستمداران جمهوری خواه خلق در عین حال که طرفدار عضویت در اتحادیه اروپا هستند، این عضویت را بدون دادن امتیاز خاصی قبول می کنند. این حزب انجام اصلاحات داخلی در ترکیه، در راستای پیوستن به اتحادیه اروپا را مجاز می دانند و حتی در بیانیه های انتخاباتی خود، حوزه های مختلف این اصلاحات را مشخص ساخته است. (صبری، ۱۳۸۸)

۲. حزب حرکت ملی:

این حزب نگاه چندان مثبت و خوشبینانه ای نسبت به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا ندارد. از نظر این حزب جایگزین هایی برای جایگاه اتحادیه اروپا در سیاست خارجی

ترکیه وجود دارد که با توجه به رویکرد حزب اصلی‌ترین جایگزین، جهان ترک عنوان شده است. حزب حرکت ملی نسبت به رفتار اتحادیه اروپا در برابر ترکیه معترض است. از دیدگاه رهبران این حزب، اتحادیه اروپا باید موضع صریح خود را در خصوص وحدت ملی و تمامیت ارضی ترکیه و مسائل قبرس، یونان و ارمنستان آشکار سازد. کشور ترکیه از نظر تاریخی و هویت ملی چنان جایگاه بارزی دارد که می‌تواند، تمام مسائل خود را به شکل مستقل حل و فصل نماید. در یک مقایسه کلی می‌توان گفت که در برابر دیدگاه انتقادی و بدبینانه حزب حرکت ملی در خصوص اتحادیه اروپا، دو حزب عدالت و توسعه و جمهوری‌خواه خلق پیرامون عضویت ترکیه در اتحادیه و نیز انجام اصلاحات داخلی در کشور در راستای تسریع در روند الحاق، نظر مثبت و مشترکی دارند و وجه افتراق این دو حزب در زمینه اتحادیه اروپا، توصیه اتخاذ رویکرد سرسختانه در برابر اتحادیه از سوی حزب جمهوری‌خواه خلق است. (صبری، ۱۳۸۸)

۳. حزب عدالت و توسعه

بعد از

«روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، به عنوان حزبی اسلام‌گرا، از دید بیشتر تحلیلگران می‌توانست به معنای تغییراتی کم و بیش اساسی در عرصه داخلی و خارجی این کشور باشد. هر چند مقام‌های این حزب از همان ابتدای به قدرت رسیدن اعلام کردند که به ارزش‌های مصرح در قانون اساسی ترکیه پایبند هستند، اما به هر حال اصلاحات و تغییرات در عرصه‌های مختلف این کشور لازم است. به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه از سوی دولتمردان برآمده از حزب عدالت و توسعه مورد توجه قرار گرفت، نقش و جایگاه این کشور در نظام بین‌المللی و به ویژه در ارتباط با کشورهای همسایه بود. به این ترتیب، آنها درصدد برآمدند تا در قالب برنامه‌ای منسجم و بلندمدت به بازتعریف جایگاه ترکیه در نظام بین‌الملل و

یاست پژوهی

نیشن سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه بیخبر روزنا (۲۰۰۶-۲۰۱۷)



در سطح منطقه پردازند.» (عطایی ، ۱۴:۱۳۸۷)

اسلام گرایان حزب عدالت و توسعه یک شاخه از پدیده اربکان هستند و لی نگرش آنها به مسائل سیاسی به کلی با برداشت اربکان متفاوت است. اردوغان با در پیش گرفتن سیاست های عملگرایانه و فارغ از گرایش های ایدئولوژیک به فعالیت پرداخته است. سیاست های اردوغان مبنی بر رعایت حقوق بشر و حق شهروندی، حذف اعدام از مجازات ها، تاکید بر رعایت حقوق اقلیت های قومی و دین ، رفع تبعیض های جنسی، کاهش تعداد و نقش نظامیان در منصب های اجرایی از جمله دبیر شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورای آموز و پرورش و... باعث شد که این برداشت در ذهن شکل بگیرد که اسلام گرایان حزب عدالت و توسعه افرادی دموکرات و قانون گرا هستند. سیاست های اصلاحی اردوغان باعث شد که اقلیت های قومی و دینی طرفدار او شده و به حامیان حزب عدالت و توسعه تبدیل شوند.(معاونت پژوهش های سیاست خارجی، ۱۳۸۷)

اسلام گرایان فعلی، حزب عدالت و توسعه را از لایه مدرن حزب منحل شده رفاه تأسیس کردند. پس از کودتای سفید ضد اربکان و انحلال حزب رفاه، وی از سوی دادگاه قانون اساسی ناچار شد که استعفا دهد. رویدادهای پس از آن به زندانی شدن اربکان و رجب طیب اردغان منجر شد ولی اردوغان، پس از مدتی آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان جانشین حزب منحل رفاه شد ولی این حزب هم به دلیل مخالفت نظامیان، توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. نبود استحکام درونی و رهبری کاریزماتیک، موجب درگیری و اختلاف درون این حزب شد. درگیری محافظه کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح طلبان به رهبری عبدالله گل، بر سر فهم اسلام و برداشت و تفسیر آن در مسائل روزمره شدت گرفت. تاجایی که رجایی کوتان، پس از انحلال حزب فضیلت، حزب سعادت را با گرایش های اسلامی محافظه کارانه تأسیس کرد. اصلاح طلبان و نوگرایان



آن نیز، حزب عدالت و توسعه را به رهبری اردوغان و عبدالله گل تأسیس کردند. (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۵۰)

حزب عدالت و توسعه با ورود خود و انجام اقداماتی چون تضعیف ارتش و تقویت بنیان های دموکراتیک و اصلاحات در قانون اساسی و در نهایت نهادینه شدن دموکراسی و کاهش تعارضات سیاسی و اجتماعی به ویژه میان اسلام گرایان و طرفداران لائسیسته، در مسیر تثبیت و تحکیم قرار گرفت. براساس آمار ارائه شده از سوی خانه آزادی در سال ۲۰۰۲ میلادی در ابتدای قدرت گیری حزب عدالت و توسعه، کشور ترکیه در زمره ی کشورهای کمابیش آزاد قرار داشت و شاخص های حقوق سیاسی در آن سال در ترکیه از میان اعدا ۷-۱ عدد ۴ و شاخص آزادی های مدنی نیز ۵ بوده است. (موتقی - نیری، ۱۳۸۹: ۲۶)

یاست پژوهی

پیشین سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر تقویت همکاری با کشورهای همسایه و عضویت در سازمان همکاری شانگهای

از هنگامی که این حزب قدرت را به دست گرفت تاکنون همواره در صدد تشکیل حکومت اسلامی نبوده است. به نوعی می توان گفت آنها سکولار هستند تا اسلام گرا؛ زیرا مذهب را به امور فردی و شخصی منحصر کرده، حاضر نیستند احکام اسلامی را در جامعه ترک پیاده کنند. اردوغان در چند مرحله اعلام کرد گرایش حزب عدالت و توسعه به اسلام، درست به اندازه گرایش حزب دموکرات مسیحی آلمان به آموزه های مسیح است و همان اندازه که مسیحیت در تصمیم های حزب دموکرات مسیحی آلمان نقش دارد، اسلام نیز در تصمیم های ما نقش دارد. رجب طیب اردوغان، رهبر حزب عدالت و توسعه و همچنین عبدالله گل بارها تأکید کرده اند که برای برقراری دولت اسلامی در ترکیه، هیچ برنامه ای ندارند و به قانون اساسی سکولار کشورشان پایبندند. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۹)



حزب عدالت و توسعه بدون شک جایگاه منطقه ای و جهانی ترکیه را بالا برده و امروز ترکیه به عنوان کشوری تاثیرگذار در امور بین الملل مطرح است و به لحاظ اقتصادی نیز در دوران زمامداری اسلام گرایان به شکوفایی رسیده است. حزب عدالت

و توسعه موفق شده است تا سطح آموزش و رفاه اقتصادی را در میان طبقات ضعیف تر از جمله حاشیه نشین شهری و روستائیان این کشور افزایش دهد. (موثقی - نیری، ۱۳۸۹: ۲۶)

هـ متغیر سیستمی: تاثیر گذاری بر روند تصمیم گیری

میزان تاثیر گذاری متغیرهای سیستمی به طور مستقیم به میزان قدرت یک کشور بستگی دارد. در نظام بین الملل، سلسله مراتب غیر دستوری بازیگران بسته به نوع قدرت طلبی مطلق و یا نسبی و نیز حوزه فعالیت بین المللی، منطقه ای و محلی به پنج رده به هم پیوسته، ابر قدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه ای، قدرت کوچک و ریز قدرت تقسیم می شوند. (سیف زاده ۱۳۸۱: ۲۱۲). سیاست خارجی جمهوری ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه ای در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه، نیز تحت تاثیر متغیرهای سیستمی قرار می گیرد.

۱. ایالات متحده امریکا

در دوران جنگ سرد سیاست خارجی و دفاعی ترکیه تابعی از سیاست و نگرش کلی آمریکا به مسائل و تحولات بین المللی در مناطق گوناگون بود. برای ترکیه قدرت آمریکا در راستای ایجاد توازن است. برای آمریکا نیز استفاده از پایگاه اینجریلیک ترکیه برای نیروهای نظامی، تاسیسات فرودگاهی و موشکی و اطلاعاتی واقع در جنوب شوروی مفید فایده بود.

در سند سیاست امنیت ملی ترکیه، چارچوب مناسبات و همکاری این کشور با آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی در قالب بندی های زیر تنظیم شده است.

۱. روابط ترکیه و آمریکا، تاریخی، ریشه ای و بر مبنای همکاری های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است و باید به حوزه تجارت و فناوری هم توسعه یابد.

۲. روابط و همکاری های ترکیه با آمریکا در مناطق مختلف خاورمیانه، بالکان، قفقاز

جنوبی و آسیای مرکزی راهبردی است.

۳. همکاری و همبستگی ترکیه با آمریکا به نفع ترکیه است.

۴. روابط ترکیه با آمریکا راهبردی است و جایگزین سایر روابط از جمله جایگزین

روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نخواهد شد. (اوغلو و سونمز، ۱۳۸۰)

باراک اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا، ترکیه را یک متحد حیاتی برای آمریکا می دانست که در تحولات جهان عرب در کنار آمریکا از گروههای دموکراتیک در مقابل دولت های استبدادی حمایت می کرد. (Weitz, 2014) ترکیه به عنوان همکار استراتژیک منطقه ای آمریکا محسوب می شود. (برادران شرکاء، ۱۳۸۶: ۳۸)

۲. اتحادیه اروپا

ایجاد همگرایی با اتحادیه اروپا به معنای رابطه متحد الشکل بین اتحادیه گمرک ها و عضویت کامل در اتحادیه اروپاست. معیارهای اتحادیه اروپا با توجه به هنجارهای کنونی، همواره راهنمای ترکیه بوده است. هدف سیاسی همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا، عضویت کامل است. (برادران شرکاء، ۱۳۸۶: ۳۸). بیش از نیم قرن است که ترکیه تقاضای پیوستن به اتحادیه اروپا را رها نکرده است. برای دستیابی به این هدف ترکیه اصلاحات متنوعی را در حوزه حقوق بشری و دموکراسی انجام داده است. این موضوع بر رفتار سیاسی ترکیه تاثیر شگرفی ایجاد کرده است.

کارگزاران و سیاستمداران اروپا نسبت به عضویت ترکیه دیدگاه های متفاوتی دارند. مثلاً با کنار رفتن حکومت سوسیال دموکرات به رهبری «گرهارد شرودر» در آلمان و «ژاک شیراک» در فرانسه و روی کار آمدن «مرکل» در آلمان و «سارکوزی» در فرانسه به عنوان احزاب راست گرا، مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا شدت بیشتری پیدا کرد. مخالفت آنها با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، نوعی سرخوردگی و ناامیدی

از پیوستن به اتحادیه را در ترکیه تشدید کرد. دولت اردوغان در چنین فضایی تلاش کرده با توجه به هویت اسلامی، گسترش روابط با کشورهای اسلامی را در اولویت قرار

یاست پژوهی

بینین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه پیمن روزنا (۲۰۰۳: ۱۱۷)



دهد. (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

از یک سو پیوستن به اتحادیه اروپایی با شعار «ما اروپایی هستیم» به آرمان سیاسی بزرگ مردم و دولتمردان ترکیه مبدل شده است و دولت این کشور با پشتیبانی تقریباً همه مردم و احزاب و جریان های سیاسی می کوشد تا به هر قیمتی به این هدف دست یابد. برای دستیابی به این هدف ترکیه تاکنون از خیر بسیاری از مواهب گذشته و سختی ها و تحقیرهای زیادی را تحمل کرده است. با وجود این اتحادیه اروپایی هر روز موانعی جدید در این مسیر قرار می دهد. و از هر طرف صداهای مخالف از کسانی که اتحادیه اروپا را باشگاه ملل مسیحی می دانند و ترکیه را بیگانه می خوانند، شنیده می شود. (سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۸۸: ۱۲) تفاوت های فرهنگی و هویتی از موانع مهم پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا می باشد. (باغچی دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۵)

۳. ترکیه و روسیه

در سال های اخیر این کشور، سیاست خارجی چندوجهی و بازی با همه بازیگران را در دستور کار دستگاه دیپلماسی خود قرار داده است. ترکیه درصدد است تا ضمن حفظ روابط خود با غرب و امریکا، روابطش را با همسایگان نیز بهبود ببخشد. سیاست خارجی نگاه به شرق و گسترش روابط با چین و روسیه را همزمان با ارتقای روابط با جهان اسلام و منطقه خاورمیانه در دستور کار خود قرار داده است. (نقدی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۸)

روسیه و ترکیه از قدرت های اوراسیای هستند که تلاش می کنند از رقابت های ژئوپلیتیک در این منطقه به سمت فاز همکاری سوق پیدا نمایند. هر دو کشور نیز در خاورمیانه خصوصاً در بحران سوریه دارای روابط پرفراز و نشیبی بوده اند. ترکیه با بهره برداری از بهار عربی و حوادث سوریه از یک طرف درصدد تقویت جایگاه خود به عنوان ابرقدرت منطقه ای در خاورمیانه و از طرف دیگر درصدد جلوگیری از خودمختاری کردها در منطقه می باشد. در صورتی که تهدید اصلی برای روسیه، تقویت گروه های جهادی افراطی در کشورهای بازمانده از شوروی سابق، در اثر فروپاشی

سیاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



حکومت مرکزی سوریه می باشد. همچنین روسیه درصدد حفظ نفوذ خود در مدیترانه از طریق حضور در سوریه می باشد (Markedonov, 2016: 3).

دلایل زیادی باعث نزدیکی روابط ترکیه و روسیه در برهه اخیر شده است که مهم ترین آن ۴ عامل زیر است:

۱. روابط اقتصادی میان روسیه و ترکیه پس از سرنگونی جنگنده روسی، در زمینه‌های گردشگری و صادرات مواد غذایی ترکیه به روسیه، تحت تأثیر قرار گرفت. هم چنین امنیت انرژی ترکیه به ویژه در بخش واردات گاز که ۵۵ درصد نیاز خود را از مسکو وارد می‌کند و نیز طرح‌های بزرگ ترکیه که بودجه آن بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار بود به خطر افتاد.

۲. تنش در تمام سطوح روابط ترکیه و غرب: روابط ترکیه با آمریکا به دلیل حمایت این کشور از گروه‌های کردی در سوریه و بی‌توجهی به درخواست ترکیه برای تسلیم فتح‌الله گولن، روابط ترکیه با اروپا به دلیل عدم اعطای ویزای شینگن و به تأخیر انداختن پرونده عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و توقف پرونده پناهندگان و نیز روابط ترکیه با ناتو به دلیل موضع منفی آن در برابر کودتای نافرجام ترکیه و همچنین عدم پایبندی آن به دفاع از ترکیه در بحران خود با روسیه و خارج نمودن سامانه دفاع موشکی پاتریوت از خاک این کشور از دلایل تنش ترکیه با غرب به شمار می‌آید. این تنش‌ها باعث احیای تمایل ترکیه به متنوع ساختن محورهای سیاست خارجی خود و خارج شدن از انحصار روابط خود با غرب شد.

۳. روسیه پس از حضور نظامی در سوریه و قانع شدن جامعه جهانی به نقش آفرینی آن در سوریه، در پرونده سیاسی و نظامی این کشور تأثیر گذار شد.

۴. پیشرفت طرح کردی در شمال سوریه با گام‌های عملی و میدانی ملموس که آنکارا آن را خط قرمز و به ضرر امنیت ملی خود قلمداد می‌کند.

در مجموع این عوامل و به ویژه عدم توانایی ترکیه در رویارویی نظامی با روسیه



تصمیم‌گیران آنکارا را به این نتیجه رساند که باید با روسیه در سوریه به توافق برسند. کدر نتیجه این توافقات، ترکیه با چراغ سبز روسیه توانست در عملیات درع‌الفرات وارد سرزمین‌های سوریه شود. در این خصوص، آتش‌بس و خارج ساختن شهروندان غیر نظامی از حلب و سپس اجلاس ۳ جانبه میان روسیه، ایران و ترکیه در مسکو در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶م از نتایج این توافق بود. (الحاج، ۱۶:۱۳۹۲)

۴. سیاست خاورمیانه ای ترکیه

سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه در دوران جنگ سرد، از یک اصل سنتی عدم مداخله در منازعات و مسائل خاص خاورمیانه پیروی می‌کرد. سیاست سنتی ترکیه همیشه بر این اصل استوار بوده است که خود را از منازعات خاورمیانه دور نگاه دارد. ترکیه در جنگ ایران و عراق بی طرفی خود را حفظ کرده و این بی طرفی از همان سیاست سنتی نشأت می‌گیرد. (کاکایی، ۱۳۷۶: ۶۷) ترکیه هیچ گاه برنامه یا هدفی برای تعیین یک جایگاه خاورمیانه مستقل برای خود نداشته است و همواره خاورمیانه و جهان اسلام را در پرتو مناسبات خود، یا با اروپا و یا امریکا می‌نگریسته است. (طاهایی، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

از زمانی که حزب عدالت و توسعه رهبری را به دست گرفت، تغییراتی در نوع نگاه ترکیه نسبت به اسرائیل به وجود آمد و آنکارا سیاستی فعال تر را به نفع فلسطینی ها در پیش گرفت. علاوه بر خاورمیانه ترکیه اهداف اقتصادی را در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دنبال کرد که عبارتند از: دسترسی به بازارهای وسیع مصرف، استفاده از نیروی کار ارزان و مواد خام و اجرای نقش واسطه برای سرمایه گذاری غرب. دولتمردان ترکیه عدم پذیرش این کشور را در جامعه اروپایی تحقیقی برای ترکیه تلقی کرده، بنابراین تلاش نمودند از طریق همسویی و همراهی با سیاست های امریکا و اسرائیل در منطقه، از نفوذ این دو کشور در مناطق مختلف جهان به نفع خود استفاده نمایند.



ترکیه تلاش می کند در استراتژی خاورمیانه ای ایالات متحده «نقش دولت محوری» را ایفاء نماید. از طریق ارتباط با امریکا می توان مساله کردها و مقابله با نفوذ ایران در کشورهای اسلامی را نیز پیگیری نماید. ترکیه تا چند دهه جدای از اتفاقات جهان اسلام در تعامل با غرب قرار گرفت. یکی از اصول سیاست خارجی این کشور، عدم دخالت در امور خاورمیانه و مناطق اسلامی دیگر بود که نشانگر دوری گزیدن ترکیه از شرق اسلامی و رخدادهای آن است. اما به تدریج در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ احزاب و جریانات اسلامی رشد زیادی کردند. در سال ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان با اکثریت قاطع آراء قدرت را در دست گرفت. این رویه، بروز و نمود عینی اسلام گرایی را در کشور ترکیه نشان می دهد. در این دوره استراتژی نگاه به غرب ترکیه که نتیجه کمالیزم بود، به استراتژی تلفیقی نگاه به غرب و شرق مبدل شد. (افضلی، ۱۳۹۰: ۱۷۵)

نتیجه گیری

طبق مدل نظری جیمز روزنا، ترکیه کشوری کوچک، توسعه یافته و باز محسوب شده، به ترتیب متغیرهای نقش، سیستم، اجتماع، حکومت و فرد در فرایند سیاستگذاری و جهت گیری سیاست خارجی این کشور دخیل بودند. در واقع، فرایند سیاستگذاری و تصمیم گیری در ترکیه به عنوان یک کشور جمهوری، متکثر است. در سال ۲۰۱۷ نظام سیاسی این کشور از پارلمانی به جمهوری تغییر یافت. سیستم ریاستی ترکیه، جایگاه، قدرت و اختیارات زیادی برای رئیس جمهوری قائل شده و در عوض نقش و جایگاه بعضی از نهادها مثل پارلمان و وزرات خارجه محدود شده است. ریاست جمهوری در نظام سیاسی جدید در انتخاب وزراء، قضات، سران ارتش نقش دارد. اردوغان با سبک رهبری اقتدارگرایانه و پوپولیستی خویش در حوزه سیاست داخلی و خارجی همراه با احیاء حس نوستالوژیک نوعثمانی گری، در تدوین و

یاست پژوهی

تبیین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۰۳-۲۰۱۷)



اجرای سیاست خارجی نقش موثری ایفاء کرده و عملاً نقش و حوزه عمل وزارت خارجه را محدود کرده است. سیستم ریاستی ترکیه نقش ریاست جمهوری را در فرایند سیاستگذاری تشدید نموده است.

جامعه ترکیه، جامعه ای متکثر، مرکب از گروه ها، انجمن ها، احزاب و روزنامه های متعدد می باشد که با ساخت سیاسی قدرت ارتباط دوسویه دارد و از این طریق بر روند سیاستگذاری ها موثر است. به عبارتی متغیرهای متعددی در فرایند سیاستگذاری و جهت گیری سیاسی این کشور در نظام بین الملل موثر می باشند.

متغیر سیستمی نیز در فرایند سیاستگذاری خارجی کشور ترکیه نقش موثری ایفاء می نماید. تعامل با ایالات متحده امریکا و ناتو بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون، بر روند سیاست خارجی این کشور تاثیر گذار بوده است. همچنین عدم پذیرش در اتحادیه اروپا و رفتار تحقیرکننده این اتحادیه در قبال ترکیه باعث شده است تا رهبران حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تنوع در سیاست خارجی و نگاه به سایر مناطق جهان را نیز در دستور کار خود قرار دهند. تاکید بر تعامل با شرق و به خصوص منطقه خاورمیانه، تعامل با کشورهای اسلامی و کشور روسیه در این چارچوب قابل تفسیر است.

سیاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



فهرست منابع

الف. منابع فارسی:

۱. امیدی، علی و فاطمه رضایی. (۱۳۹۰). «عثمانی گرایی در سیاست خارجی ترکیه، شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه». فصلنامه روابط خارجی. سال سوم، شماره سوم، پاییز.
۲. آتس اوغلو، اچ سونمز. (۱۳۸۰). راهبرد امنیت ملی ترکیه ومدرن سازی نظامی. ترجمه بابک فرهنگی. گزیده تحولات جهان، موسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۰.
۳. افضلی رسول. (۱۳۹۰). "بررسی و تبیین ژئوپلتیکی اسلام گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد سازه انگاری". فصلنامه روابط خارجی. سال سوم، شماره چهارم، زمستان
۴. الحاج، سعید. (۱۳۹۲). گزارش شورای راهبردی، مرکز مطالعات سیاسی و راهبردی مصر.
۵. برادران شرکا حمیدرضا. (۱۳۸۶). "شاخص های اصلی و جایگاه جهانی ترکیه در سال ۲۰۲۳ میلادی". مرکز تحقیقات استراتژیک.
۶. باغچی، حسین و شعبان چالیش و عسکر قهرمانپور (۱۳۸۳). "عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا: مناظره ها پس از جنگ سرد". فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۱، بهار.
۷. "پارلمان ترکیه اصلاحات قانون اساسی را تصویب کرد". همشهری. ۹۵/۱۱/۰۲، <http://hamshahrionline.ir/details/359440/world/europe>
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
۹. سازمان توسعه و تجارت. (۱۳۸۸). گزارش کشوری در مورد کشور ترکیه. تهران: وزارت بازرگانی.
۱۰. سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۱). اصول روابط بین الملل. تهران: میزان.
۱۱. شفیع، یوسف. (۱۳۹۵). "نتایج تصویب لایحه تغییر قانون اساسی در مجلس ترکیه"

یاست پژوهی

تبیین سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۰۳-۲۰۱۷)



، فارس نیوز. /<https://www.farsnews.com/news/13951104001770/> - تپشه-
بر-ریشه

۱۲. فرانکل، جوزف. (۱۳۷۶). *نظریه معاصر روابط بین الملل*. مترجم وحید بزرگی.
تهران: اطلاعات.

۱۳. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). *روابط بین الملل؛ نظریه ها و رویکردها*. تهران: سمت.
۱۴. کاکایی، سیاسمک. (۱۳۷۶). "نقش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پس از جنگ
سرد". *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*. شماره ۱۲، زمستان.

۱۵. طاهایی، سید جواد. (۱۳۸۷). "مثلث؛ میانجیگری ترکیه در گفتگوهای صلح بین اسرائیل
و سوریه". *پژوهش نامه سیاست خارجی*. شماره ۲۰، اسفندماه.

۱۶. نقدی نژاد، حسن. (۱۳۸۷). "سیاست خارجی عدالت و توسعه ترکیه". *پژوهش نامه
سیاست خارجی*. شماره ۱۹، اسفندماه.

۱۷. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). *تحول در نظریه های روابط بین الملل*. تهران: سمت.
۱۸. طاهایی، سید جواد. (۱۳۸۶). "کمالیزم. عناصر بحران در نگرش ساست خارجی ترکیه
". *راهبرد*، شماره ۲۱.

۱۹. فلاح زاده، محمد هادی. (۱۳۸۴). "آشنایی با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه". تهران:
مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

۲۰. صبری، محسن. (۱۳۸۸). "عملکرد حزب عدالت و توسعه بر روند عضویت ترکیه در
اتحادیه اروپا". <http://irpolitics.blogfa.com>.

۲۱. دهقانی، رضا. (۱۳۹۰). "دکترین عمق استراتژیک داود اوغلو"،
<http://www.dehqani.lxb.ir/post/>

۲۲. ذبیح زاده، علی نقی. (۱۳۸۰). "ترکیه لائیک، پیامد اصلاحات در دولت عثمانی".
معرفت، شماره ۴۳.

۲۳. "پیروزی مجدد اسلام گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور"، معاونت
پژوهش های سیاست خارجی، ۱۳۸۷/۱۲/۱۷،

[http://www.isrjournals.com/fa/asia-eurasia-farsi/article/617-
archive-special-articles-farsi-37.html](http://www.isrjournals.com/fa/asia-eurasia-farsi/article/617-archive-special-articles-farsi-37.html)

سیاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۶



۱۰۰

۲۴. حیدری محمد علی و حمید رهنورد. (۱۳۹۰). "نوعثمانی و سیاست های خارجی خاورمیانه ای ترکیه"، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان.
۲۵. حسینی سیده مطهره و دیگران. (۱۳۹۲). "نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)". فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات جهان اسلام. دوره ۱، شماره ۳، زمستان.
۲۶. عطایی فرهاد و کالجی کوزه گر. (۱۳۹۱). "ناملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی". فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷، تابستان.
۲۷. عطایی، فرهاد. (۱۳۸۸). "نگرش جدید در سیاست منطقه ای ترکیه". فصلنامه مطالعات. سال ۶، شماره ۲۱، خردادماه.
۲۸. موثقی، احمد. (۱۳۸۷). "انقلاب فرهنگی در ترکیه". فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال ۷، شماره ۳.

ب. منابع انگلیسی:

29. Alden, C. (2011). Foreign policy. *analysis*, www.londoninternational.ac.uk/sites/default/files/programme.../ir2137_ch1-3.pdf
30. YELKEN AKTAŞ GÜLBAHAR (2010), "TURKISH FOREIGN POLICY: NEW CONCEPTS AND REFLECTIONS", <https://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12612869/index.pdf>
31. Smith, Steve. (2008). "Foreign Policy theories- actors-cases", <http://200.41.82.27/251/1/Hudson%20Valerie%20The%20History%20and%20Evolution%20of%20Foreign%20Policy%20Analysis.pdf>
32. Markedonov, Sergey. (2016). RUSSIA-TURKEY RELATIONS AND SECURITY ISSUES IN THE CAUCASUS, *Valdaiclub*, <http://valdaiclub.com/a/valdai-papers/russia-turkey-relations-and-security-issues-in-the-caucasus/>
33. Rosenau, James. (1966). "Pre-Theories and Theories of foreign policy". In Approaches to Comparative and International politics, edited by R.Barry Farrell, Evaston, Ill., Northwestern University Press.
34. Rosenau, James, N. (1971). "The National Interest", in: *Scientific Study of Foreign Policy*, New York: The Free Press.
35. Rosenau, James. (1972). *The Analyses of International Politics*. New York: The Free Press.



36. Rosenau, James N. (1976). "The Study of Foreign Policy." in James N. Rosenau, Kenneth W. Thompson, Gavin Boyd (eds.), *World Politics: An Introduction*, (New York: Free Press).
37. Waltz, Kenneth N. (1979). *Theory of International Politics*. Massachusetts: Addison Wesley Publishing Co.

Weitz, Richard. (2014). "TURKEY'S NEW REGIONAL SECURITY ROLE: IMPLICATIONS FOR THE UNITED STATES",
<http://ssi.armywarcollege.edu/pdf/PUB1218.pdf>.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی